

موضع اجتماعی عالمان دینی



گفتاری در مقام و منزلت علمی و اجتماعی و خدمات شادروان

آیت‌الله مجدالدین محلاتی

جستار گشایی: جمعه اخیر مصادف بود با چهلمین روز در گذشت علمی فرزانه که با تلاش و جدیتی وافر اقدام به خدمات علمی و اجتماعی می‌نمود و هیچگاه خود را در معرض تظاهر قرار نمی‌داد. تضلعی در ویشانه داشت با آنکه دور دنیا را گشته و کوچک و بزرگ عالم را عیان دیده بود. به همین مناسبت صفحه امروز معارف ویژه نام و یاد آن عالم بزرگ و محبوب مردم فارس است. خداوند به کرم خویش روح بلند آیت‌الله مجدالدین محلاتی را در جنت مخلد و غریق رحمت کند.

گروه معارف

نوشته: دکتر سید محمد تقی

گاهی ابعاد شخصیت فردی، در حیات خود، چندان شناخته نمی‌شود و حجاب "معاصرت" بر دیده معاصران پرده نادیده‌انگاری و اهمال می‌کشد که برای دیدن فضایل و شعاع وجود فرد را نمی‌توانند ببینند و مشاهده کنند. ولی از طرف دیگر، معیار و منظر دیگری مطرح است که آئینه‌وار نمودار شخصیت معنوی و ابعاد انسانی فرد را نشان می‌دهد و زبان نخستین مردم را به شمردن فضائل انسانی او، باز می‌کند.

آری، آن معیار را تنها معیاری می‌توان تلقی کرد که شخصیت واقعی و حقیقی انسانها را با آن محک زد و سنجید و سره را از ناسره، صاف را از "مقلوب" تشخیص داد و تقدیر کرد. این محک "داوری" مردم و بیان تمایلات آنها در فراز و نشیب روزگار در مورد اشخاص و شخصیت‌های زمان است و به تعبیر امام علی (ع) در نهج البلاغه:

"وانما نستدل علی الصالحین بما یجری الله لهم علی السن عباده" (عهدنامه مالک‌اشتر) به اصالت شایستگیان از آنچه خداوند بر زبان بندگان جاری می‌کند، شاهد می‌گیرند و

دلیل آورند. آیت‌الله مجدالدین محلاتی ، از جمله کسانی بود که چنین ذو وجوه بودن و چند بعدی بودن را دارا بود. نه تنها در هنگام وفات و تشییع جنازه او ، همگان ، یکپارچه در فراق او اشک می‌ریختند و از صمیم دل در فقدان او سوگناک بودند ، بلکه در حیات او نیز ، چنین داوریهایی از جانب مردم شنیده می‌شد. "به بیان آیت‌الله مکارم شیرازی ، "شیراز تا به حال چنین تشییع با عظمتی به خود ندیده است." اگر مرد و زن و خیل بانوان ، گروه "بی‌پناهان" به دنبال تابوت او ، روان بودند و اشک‌ریزان سرودوار شعر می‌سراییدند که "حامی مستضعفان ، آیت‌الله محلاتی" نشان آن بود که او ، نه فقط در ذهن توده مردم و نخبگان ، بلکه در ضمیر و روح "بی‌پناهان" نفوذ داشته است و به جهت خصلت "بزرگوار" و "خدمتگزار" که در طبیعت وی بود ، همراه و همدم متوسطان و بی‌پناهان و درماندگان جامعه بود و دلی را نشکسته و همواره دلها را به‌دست آورده بود ، به راستی مرد وارسته‌ای بود که از تبار عالمان ، روییده بود. فضیلت "علم و تقوی" و "خدمتگزار" توامان در وجودش گرد آمده و چند بعدی شخصیت او بر همگان آشکار بود. عالمی وارسته ، فقهی‌زمان‌شناس ، روشنفکری اصلاح‌گر و خدمتگزار دلسوز بود.

هر کدام از این عناوین بالا در جامعه‌شناسی معاصر ، تعریف و ملاک تمیز خود را دارد که مناسب است که به یک یک آنها با ویژگیها و مشخصات روانی و فرهنگی اشاره شود و نقش هر یک از آنها در فرایند اجتماعی روشن گردد.

موضع اجتماعی عالمان

به نظر برخی از جامعه‌شناسان مسلمان ، واژه "روحانی" معادل Saint اصطلاحی بود که از مسیحیت به جهان اسلام ، رسوخ پیدا کرد که نوعی "آخرت‌گرایی" را ابهام می‌کرد و تنها رسالت رجال دینی را نه پرداختن به امور دنیوی ، بلکه به موضوعاتی از قبیل: دعا کردن ، توبه‌پذیری ، بخشش گناه و پرداختن به امور ماوراء این جهانی می‌دانست. راستی هم ، کار و وظیفه رجال دین در جهان مسیحیت همین است. زیرا که مسیح(ع) نخست ، تفکیک "مال قیصر" و "خدا" را اعلام کرده بود. (۱) و به همین انگیزه هم مسیحیان به هر علت و دلیلی ، نیابتی به کارهای دنیایی بپردازند. اما وضع در جهان اسلام به گونه دیگر است. تعبیری که در فرهنگ اسلامی به کارگزاران معارف دینی اطلاق می‌شد ، واژه "عالم" بود. دقیقاً اصطلاحی که در قرآن کریم و متون حدیثی به همین عنوان وارد شده است. [اولمپکن لهم آیتان یعلمه علماء بنی اسرائیل] شعراء/ ۱۹۷

این آیه در مورد عبدالله بن سلام ، رجل یهودی نازل شده که به دین اسلام تشریف یافته است.

آری ، عالمان دین ، گروهی از امت اسلامی‌اند که در "تفقه" در دین و فهم عمیق آئین ، رنج عمیقی بر خود روا داشته و عمری را سپری کرده‌اند که به درک عمیق اسلام دست یابند و پس از کمال‌جویی و کمال‌یابی عهده‌دار ابلاغ رسالت انبیاء شوند. [ولیندروا قومهم اذا رجعوا الیهم].

از این رهگذر است که در فرهنگ اسلامی ، عده‌ای بوجود آمدند که در حوزه معارف دینی به تحصیل آن بپردازند.

ویژگیها

ویژگیهای این گروه بیشتر این است که:

۱- علم را برای علم و برای خدمت آموزند و نه برای کسب شهرت و یا مدرک؛

۲- گزینش استاد در این حوزه‌ها ، انتخابی است و نه

انتصابی؛

- ۳- میان اسناد و دانشجو محبت است و نه کیش شخصیت;
- ۴- درسها نه برای حفظ که برای فهم و تفهم;
- ۵- رفاقت و همبستگی میان شاگردان ، روند عادی زندگی و رمز پیشرفت در تحصیل است;
- ۶- درسها غالبا پیش مطالعه می‌شود و با آمادگی ذهنی در کلاس حضور دارند;
- ۷- برتری اجتماعی برحسب ذهن روشن و تلاش بیشتر علمی است;
- ۸- انتخاب تحصیل از روی میل و علاقه است نه اجبار اجتماعی و محیطی;
- خاستگاه اجتماعی این گروه ، بیشتر طبقات متوسط اجتماعی است و اگر احیانا از طبقات دیگر نیز رو به سوی آن آرند ، قطعا انگیزه دینی و گرایشهای مذهبی و احیانا اجتماعی ، عامل چنین میل و اراده می‌باشد.
- کارکردها
- این گروه از دانشمندان دینی ، چند کارکرد را در عرصه اجتماع و معارف دینی انجام می‌دهند:
- ۱- تبیین و تفسیر متون دینی;
- ۲- حفظ و صیانت آن از تحریف و کج‌فهمی‌ها و به اصطلاح جلوگیری از "تفسیر به رای";
- ۳- انتقال فرهنگ دینی و حفظ میراث اسلامی;
- ۴- تربیت نسل جدید و باروری و غنای فرهنگی آن;
- طبیعی است که این وظایف و رسالتها ، علاوه بر اخلاص و تقوای درونی ، به پشتکار و استقامت و تحمل زحمات و مشقات طاقت‌فرسا نیازمند است و بر همین روال است که میراث فرهنگ اسلامی سالها و نسلها دوام یافته و عالمان دین ، تداوم‌بخش فرهنگ اسلامی و معارف اهل‌بیت بوده‌اند و آن را در پهنای جهان اسلامی گسترش می‌دهند.
- البته در حوزه‌های علمی نه فقط فقه و اصول ، بلکه تفسیر ، فلسفه ، تاریخ حکمت اسلامی ، ادبیات عرب و دیگر معارف فرهنگ و تمدن اسلامی نیز تداوم یافته است. البته بیشتر در قرنهای پیشین تا عصر حاضر.
- تلاشها و زحمات شیخ طوسی‌ها ، ابن ادریس‌ها ، خطیب تبریزی‌ها ، خواریزمی و غیاث‌الدین کاشانی‌ها و دیگر بزرگان علم و حکمت و فقه و ادب اسلامی ، شاهد گویای پویایی تمدن اسلامی است.
- راستی این است که عالمان دین نه تنها بر علم و آگاهی معارف دینی ، اطلاع داشتند ، بلکه به اکثر معارف بشری و آگاهیهای زمان خود نیز دست چیره داشتند و با آگاهی به مقتضیات زمان ، مشکلات جامعه خود ، مسائل اجتماعی را حل می‌کردند و از این‌جهت نیز ، نقش و رسالت يك روشن‌گر اجتماعی را ایفاء کرده‌اند.
- ادامه دارد
- پانویس:
- ۱- "انجیل متی" -باب ۲۲- عبارت ۲۲





سوگسرودي در رثاي آيت الله محلاتي  
مسعود رضوي

شادمانی دائمی در چهره نورانی اش تلاوی عجیبی داشت. شکوه و وقاری داشت که با لبخندی نمکین به مخاطبان رخصت حضور می‌بخشید. پیر و جوان، مرد و زن و دانشور و جاهل به او ارادت داشتند. ساختمان مدرسه ولی عصر را با زیبایی و آرامش به اتمام می‌رساند و در اتاقهای آماده‌اش از برجستگان و دوستان پذیرایی می‌کرد.

محلاتی می‌دانست چه می‌خواهد و از او چه می‌خواهند، پس تظاهر نمی‌کرد و به فراخور حال رضایت همه مراجعان را تامین می‌کرد.

در طول همان سالها، خاطره دیدارش با پیرمردی تکیده را به خاطر می‌آورم، که چگونه وی را از جای بلند کرد و از جوهاتی که در اختیار داشت آن مرد و خانواده‌اش را بی‌نیاز ساخت. باز تظلمی را به خاطر می‌آورم که تا پایان کار و اعاده حق از پای ننشست. این بود چهره مردی که من در صحنه جامعه می‌دیدم و این تنها اندکی از هزاران است.

آیت‌الله محلاتی زمانی تصمیم به ارائه درس خصوصی کرد و به جای متون قدیم علوم عقلی، کتاب "اصول فلسفه و روش رئالیسم" را برگزید. همیشه به دور دستها می‌نگریست و نوگرایی و نواندیشی ویژگی بارز او بود.

یکی از علاقه‌های او کتاب بود، چیزی که به هیچ وجه نسبت بدان تسامحی به خرج نمی‌داد. وی کتابخانه عظیم و کم‌نظیر مرحوم مغفور آقاصدرالدین محلاتی را خریداری کرد و همراه با حجم وسیعی از کتب خود در اختیار کتابخانه مدرسه ولی عصر نهاد. به این ترتیب یکی از گنجینه‌های درجه اول کتابهای فارسی و عربی فراهم شد. در اهمیت این کتابخانه همین بس که اغلب کتب آن از شرق اسلامی در اقصای هند تا غرب اسلامی در اندلس یا در آفریقای مسلمان‌نشین گردآمده و کتب مصری و لبنانی و سوری و حجازی و عراقی و ترکی و اردو و... همراه با مجموعه‌ای غنی از کتابهای فارسی کمیاب در آن فراوان دیده می‌شد. تعلق خاطر وی به این کتابخانه تنها در ظاهر و برای سرگرمی نبود، زیرا اطلاعات جامعی داشت و مدام بدانها رجوع می‌کرد. به خاطر اندرست که ماهی دوبار به کتابفروشیهای شیراز سر می‌زد و کتابهایی جدید از هر نوع می‌خریدند. انحصار این خریدها فقط به کتب دینی نبود، بلکه همه کتابهای مفید تاریخی، اقتصادی، جامعه‌شناسی و حتی علوم تجربی و طب را نیز شامل می‌شد.

آیت‌الله محلاتی می‌دانست که روحانیت چگونه می‌تواند محبوب‌القلوب باشد. نگاهی به تشییع جنازه با شکوه و بی‌نظیر وی در شیراز نشانگر عظمت الفتی بود که مردم با وی داشتند. مردمدار بود، انسانها را فارغ از گرایشها و

عقایدشان دوست می‌داشت و فقیر و غنی را یکسان می‌نواخت. طبع روانی داشت و زبان‌هایی چند- بخصوص انگلیسی- را خوب می‌دانست. در دهه آخر صفر ، همیشه تکیه‌ای در مدرسه ایجاد می‌کرد و ضمن اطعام ، از حظ منابر نیز بی‌نصیب نمی‌ماند. من هیچگاه ندیدم که آن فقید برای سخنرانی و خطابه ، به منبر برود ، دلیل آن را شاید بتوان روحیه و لحن خودمانی و ظریف سخنان وی دانست. اما جدای از این مسئله ، اصلاً تکبر نمی‌ورزید و خودنمایی نمی‌فرمود. باز هم می‌توانم گفت که آرزوی پروردن عالمانی برجسته را در ظل حوزه خود داشت که روح زمانه را بفهمند و ادراک کنند. حتی از برخی روحانیون که نصیبتی از استعداد داشتند ، حمایتی جدی می‌کرد تا به جای شاغل شدن در پست‌های اجرایی به سوی رسالت اصلی خود باز گردند. نام نمی‌برم ، اما همه می‌دانند و این چیزی نیست که کتمان‌ش توان کرد. در مدرسه ولی عصر (عج) زاویه‌ای کوچک داشت و با لبخندی ابدی برای مراجعه کنندگان ارائه طریق و مواعظ می‌کرد. هیچگاه پست و مقامی را نپذیرفت و تدریس در دانشگاه شیراز را نیز به دلیل برخی ناملازمات کنار گذاشت. او تحصیل کرده دو مکتب بود. حوزه و دانشگاه. اینک در فقد او چه می‌توان گفت جز رفتیم و داغ ما به دل روزگار ماند خاکستری ز قافله اعتبار ماند روحش شاد و خداوند با اولیاء و خاصان محشورش نماید.



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.